

ابراهیم مهدوی

دادیار دادرسی دیوان کشور

توقیف محکومین متضامین برای عدم پرداخت جریمه

مجله حقوقی وزارت دادگستری در شماره ۶ مورخه ۱۵ مرداد ۴۲ خود استعمال شماره ۲۴۱۴ / ۲ / ۱۶ / ۴۲/۲ دادرسی آذربایجان شرقی و جواب آن را بشرح زیر درج نموده است :

۱ - استعمال - ریاست محترم اداره حقوقی وزارت دادگستری - دو نفر با اتهام حمل تریاک باستناد ماده ۷ قانون منع کشت خشخاش بکیفر حبس و پرداخت جریمه متضامناً محکوم و چون از پرداخت جریمه اظهار عجز و دسترسی باموال آنان نبود از قرار هر پنجاه ریال یک روز بازداشت و فعلاً هر دو نفر بیش از دو سال و نیم بازداشت می‌باشند که بازداشت خود معترض و اعلام نموده‌اند چون مدت پنج سال مقرر در قانون منع کشت خشخاش و استعمال مواد افیونی خاتمه یافته باید از زندان مرخص شوند و با توجه باینکه اگر یکی از دو نفر محکوم علیهما جریمه را پرداخت می‌نمود ذمه دیگری بری و از زندان مرخصی میگردد و این که در مقابل جریمه مواد مخدره مدت بازداشت نباید بیش از پنج سال باشد و با در نظر گرفتن مبحث تضامن در حقوق مدنی موضوع قابل توجه و تعمق بوده لذا خواهشمند است دستور فرمائید نظر مشورتی آن اداره را اعلام نمایند.

۲ - در جواب استعمال مذکور از طرف اداره حقوقی جوابی بشرح صفحات ۲۵ الی ۳۰ مجله فوق الذکر داده شده است.

و هر چند که مطالب عنوان شده در جواب فی‌ذاته بسیار عالی و از فهم شخصی فاضل و وارد تراوش کرده است ولی چون نتیجه و حاصل جواب بنظر این جانب صحیح نبوده و عاری از انتقاد نمی‌باشد لازم دانستیم در اطراف مسئله عنوان شده توضیحاتی بدهم باشد که بروشن شدن قضیه و تعیین تکلیف مقامات اجرائی درباره اشخاصیکه بابت غرامت و بعثت عجز از پرداخت آن زندانی میشوند کمک نماید.

استعلام دادرسی استان سوم هم چنین اعتراض زندانیان بسیار خوب و بموقع بوده و مطلب عنوان شده کاملاً قابل مطالعه و در عین حال در بادی امر نظری بنظر میرسد ولی واقعاً بسیار واضح اینک من برای جلب بیشتر توجه خوانندگان و آقایان قضات محاکم و سایر علاقمندان و صاحب نظران قبلاً متن مواد مربوط و عنوان شده در جواب اداره حقوقی را عیناً نقل و از نظر خوانندگان می‌گذرانم و سپس عقیده خود را در مورد استعمال شرح میدهم

۱ - ماده ۱ اضافه شده بآئین دادرسی کیفری مصوب ۳۷ میگوید (هر کس در ضمن تعقیب جزائی بتأدیه مالی اعم از غرامت و ضرر و زیان شاکی خصوصی محکوم شود و با گذشتن ده روز از تاریخ مطالبه آنرا نپردازد و در صورتی که مالی معرفی نکرده یا دسترسی

باموال او نباشد بدرخواست دادستان یا نماینده او در مورد محکوم به راجع بدولت و بدرخواست مدعی خصوصی در مورد ضرر و زیان در ازاء هر پنجاه ریال یک روز توقیف میشود و مدت توقیف در تمام موارد از پنج سال تجاوز نخواهد کرد و مبدا توقیف مذکور در فوق در مورد کسانی که محکومیت به مجازات حبس دارند از تاریخ خاتمه اجرای مجازات حبس خواهد بود.

۲ - ماده ۲۷۸ قانون مجازات عمومی چنین مقرر داشته است (در کلیه امور جزائی جز مواردی که قانون صریحاً ترتیب خاصی مقرر کرده باشد هر کس بتأدیه مالی اعم از غرامت و غیر آن بدولت و یا بتأدیه خسارات مدعی خصوصی محکوم گردد و با گذشتن ده روز از تاریخ مطالبه آن محکوم به را تأدیه ننماید و دسترسی باموال او نباشد بدرخواست پار که مربوط در مورد محکوم به راجع بدولت و درخواست مدعی خصوصی نسبت بخسارات وارده بر او در ازا هر ده ریال از وجه محکوم به یک روز توقیف و مدت این توقیف زائد از پنج سال نخواهد بود و در امور خلافی مدت توقیف برای وصول محکوم به تنها پنج روز است مبدا توقیف برای وصول محکوم به در مورد کسانی که محکومیت مجازات زندانی دارند از تاریخ خاتمه اجرای مجازات زندانی خواهد بود)

۳ - ماده ۳ . ۴ قانون تجارت این طور تنظیم گردیده (در کلیه مواردیکه بموجب قوانین یا موافق قراردادها ضمانت تضامنی باشد طلب کار می تواند بضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام و یا بقیه طلب بدیگری رجوع نماید) .

این بود متن موادی در قانون آئین دادرسی کیفری و قانون جزا و قانون تجارت که عیناً نقل شد و حال میپردازیم باصل مطلب و در این مورد نکات زیر را مورد توجه قرار میدهیم :

- ۱ - تضامن چیست ؟
- ۲ - ماده ۱ اضافه شده بآئین دادرسی کیفری مصوب ۳۷ ناسخ ماده ۲۷۸ جزاست

یا نه ؟

- ۳ - غرامت و جریمه نوعی مجازات است یا دین متعلق بذمه
- ۴ - ماده ۱ اضافه شده بقانون آئین دادرسی کیفری بمورد شرکت و تضامن هم

شامل است یا نه ؟

- ۵ - اگر چنانچه در مورد مذکور غرامت کم بوده و بقرار روزی پنجاه ریال به پنج سال و یا کمتر از آن مدت تطبیق کند تکلیف چیست ؟
- ۶ - پنج سال توقیف مسقط تمام غرامت و خسارت است و یا اینکه نسبت به بقیه در صورتیکه مالی از متهم بدست آید باید وصول گردد ؟
- ۷ - آیا اقدام به توقیف محکوم بعنوان بدل از جریمه عدول مجدد بدربافت آن و آزاد کردن محکوم را در مدت باقی ممتنع می سازد ؟

۸ - در مورد خسارات مدعیان خصوصی نیز توقیف پنج سال مسقط کلیه خسارات ولو بهر میزانی که باشد هست یا نه ؟

نکته اول

تضامن از باب تفاعل بمعنی اینست که دو نفر یا بیشتر در برابر یک دین و طلب و یا ادای یک تکلیف و وظیفه قانونی ضمانت و مسئولیت داشته باشند بطوریکه ذی نفع بتواند به تمام آنها مجتمعاً و هم بهر یک منفرداً به ترتیب و یا متناوب برای ادای دین و انجام تکلیف و وظیفه رجوع کند و وقتی هم یکی از آنها دین را ادا نمود و یا وظیفه را انجام داد بطور تهری ذمه و عهده دیگران بری میشود و تکلیف از آنها ساقط میگردد.

در تضامن تعداد متضامین محدود نیست و ممکن است در برابر یک دین هزار نفر بطور تضامن مسئول باشد و هم چنین در مورد واجبات کفائی ممکن است تعداد مکلف نا محدود باشد کما اینکه دفاع از استقلال کشور بعه افراد بالغ واجب است ولی وقتی عده کافی اقدام کرد از دیگران تکلیف ساقط میگردد و تکلیف انجام شده و متعلق وجوب ازین رفته است.

نکته دوم

این مطلب مسلم است که ماده ۱ از مواد اضافه شده بآئین دادرسی کیفری مصوب ۷۳ در آن قسمت ها که مخالف و متعارض ماده ۲۷۸ از قانون مجازات عمومی است ناسخ آن میباشد زیرا ماده مرقوم اولایک قانون خاص است و ثانیاً بتاریخ مؤخر در مورد ماده ۲۷۸ قانون جزا وضع و تصویب گردیده است و ملاک عمل در قسمت های مخالف ماده ۱ مذکور خواهد بود.

نکته سوم

جریمه های نقدی دیون محکومین نمی باشد زیرا اولاً دیون بذمه تعلق میگیرد و موجبات قانونی خاصی از قبیل عقود - تعهدات - ضمان عقدی - ضمان تهری و غیره دارد و هیچ یک از موجبات اشتغال ذمه در مورد جرائم نقدی صادق نیست و ثانیاً در مورد دیون احکام داد گاه ها کاشف از اشتغال است نه موجب اشتغال و حال آنکه در مورد جرائم نقدی احکام محاکم محکوم علیه را ملزم و مکلف پرداخت جریمه می کند و جنبه اخباری و کشفی ندارد بلکه انشائی و الزامی است و ثالثاً محکوم نمودن خلاف کاران و مجرمین پرداخت جریمه نقدی و مالی بمنظور تنبیه و مجازات آنها است نه بمنظور الزام آنها پرداخت طلب جامعه و دولت و رابعاً اجرای احکام جزائی و وصول جرایم نقدی از اعمال حاکمیت دولت است و حال اینکه وصول دیون و مطالبات متعلق بذمه اشخاص از اعمال تصدی آنست و خامساً جرائم نقدی با فوت محکوم ساقط میگردد و حال اینکه دیون متعلق بذمه را باید ورثه از ترکه بردارند.

بنا بر مراتب واضح است که جریمه نقدی دین محکوم علیه نمی باشد بلکه نام برده

ملزوم و مکلف پرداخت آن است که تنبیه بشود و بعداً مرتکب جرم نگردد و بقول مردم عادی با جریمه نقدی مجرم نقره داغ میشود.

نکته چهارم

ماده ۱ از مواد اضافه شده بآئین دادرسی کیفری حکم مورد را با کلمه هرکس که مفرد است بیان کرده و بصورت تضامن اشاره ای نکرده است و ماده ۲۷۸ قانون جزا در این مورد مانند ماده فوق الذکر میباشد و در این ماده هم اشاره ای بمورد تعدد مرتکبین یک جرم نشده است.

ولی در ماده ۳ از قانون کیفر مرتکبین قاچاق و تبصره ۱ از ماده ۸ قانون مذکور بموضوعات مرقوم اشاره شده است ولی نحوه اجرا در مورد متهمین متضامن بطور صریح بیان نشده است.

و چون در مواد فوق الاشعار بطور روشن تعیین تکلیف نشده است ناچار برای درک اینکه آیا حکم ماده ۱ از مواد اضافه شده بآئین دادرسی کیفری فوق الاشعار درباره همه شرکای متضامن یک مرتبه و یا در دفعات جاری است یا نه باید از مواد دیگر قوانین مربوطه و اصول و قواعد کلی استفاده کرد.

مفهوم تضامن و مواد مربوطه بآن مقتضی است که ذی نفع بتمام مسئولین متضامن مجتمعاً و منفرداً و به ترتیب و بطور غیر مرتب می تواند مراجعه کند و تا دین مورد تضامن تأدیه نشده و یا تکلیف کفائی انجام نگردیده هر یک از افراد متضامن مانند بد هکار و یا مکلف منفرد و شخصی میباشند.

بنابراین هرگاه ده نفر بطور متضامن محکوم پرداخت ۱۸۰۰۰ ریال جریمه شدند و هیچ یک از آنها اقدام پرداخت آن نکرد و نیز با مواد هیچ یک دست رس نبود تمام آنها باید بمدت یکسال مجتمعاً و یا بالانفراد توقیف گردند.

ولی چون موضوع بحث امر جزائی است و سلب آزادی مردم مطرح است که در آن نص قانون لازم است و بقیاس و استحسان و کشف سلاک و تنقیح مناط نمی توان از اشخاص سلب آزادی نمود باید گفت که ماده ۱ اضافه شده بقانون مرقوم از موارد تعدد محکومین بتأدیه جریمه بطور تضامن منصرف است و قانون کیفر مرتکبین قاچاق هم بمورد بحث و مخصوصاً بموضوع سئوال دادرسی آذربایجان شرقی ارتباط ندارد چه اولاً قانون مذکور یکنوع قانون خاصی است و ثانیاً حقوق دولت در آن قانون مطرح است.

مضافاً بر اینکه در امور جزائی وقتی قوانین ابهام و اجمالی داشت و صریح نبود باید بسود متهمین تعبیر و تاویل گردد و آن طرف احتمالات که منافع متهمین را حفظ می کند مورد عمل قرار گیرد. و در مانحن فیه ممکن است با استدلالی که شد بگوئیم ماده ۱ اضافه شده بآئین دادرسی بمورد تضامن نیز شامل است و فرد فرد افراد ضامن ولو هزار نفر هم باشند مانند مرتکب منفرد و شخصی میباشند و در برابر ۱۸۰۰۰ ریال جریمه که فرضاً هزار نفر بطور متضامن محکوم بتأدیه آن شده و از تأدیه اظهار عجز می کنند و مالی هم از آنها بدست

نیامده است هر هزار نفر یکسال توقیف کردند و زیرا معنی و مفهوم تضامن حقیقی اینست. و در عین حال ممکن است و بلکه واجب است این طور استدلال کرده و بگوئیم که توقیف یک نفر در یک روز مطابق نص صریح ماده ۱ اضافه شده فوق و مورد استناد پنجاه ریال و توقیف یکسال یک نفر معادل هجده هزار ریال است وقتی ده نفر در برابر آن بمدت یکسال توقیف کردند مثل اینست که یک مجازات ده بار اجرا گردد و این برخلاف عقل و منطق و اصول مسلم حقوق جزا است.

علیهذا چون اشتمال ماده ۱ مرقوم بمورد بنحوی که مستلزم تضييق بر متهمین و مخالف عقل و مواد و قواعد مسلم حقوق جزا است صحیح و جایز نخواهد بود.

نکته پنجم

فرض کنید پنج نفر متهمند به حمل ۶ گرم تریاک و طبق ماده ۶ قانون منع کشت خشخاش هر یک به ششماه حبس تادی (البته با اعمال ماده ۵ قانون جزا) و متضامناً پرداخت سی هزار ریال جریمه نقدی محکوم شدند و جریمه نقدی را ندادند و دسترسی هم باموال آنها نبود به تقاضای دادستان باید بقرار هر پنجاه ریال یک روز توقیف بشوند و اگر مرتکب یک نفر بود کافی بود که او یعنی یک نفر بیست ماه در توقیف بماند و حال آنکه پنج نفرند مطابق جوابی که اداره حقوقی بدادسرای آذربایجان شرقی داده هر یک باید بیست ماه در توقیف بماند و این بان معنی است که یک حکم مجازات را پنج بار درباره محکوم اجرا کنیم که یکبار آن مطابق حکم دادگاه و چهار بار دیگر را بدون حکم و فقط باراده شخصی و تفسیر ماده قانونی.

و عبارت ساده تر قانون برای یک روز توقیف یک نفر پنجاه ریال ارزش قائل شده است و هر یک روز که یک نفر در توقیف می ماند پنجاه ریال از جریمه کم میشود و وقتی پنج نفر در برابر جریمه توقیف شدند در هر روز دو بیست و پنجاه ریال کسر میگردد

در فرض بالا در صورتیکه یک نفر در برابر سی هزار ریال توقیف گردد در ظرف مدت بیست ماه سی هزار ریال تمام میشود و حال اینکه اگر پنج نفر توقیف گردند هر روز که میگردد دو بیست و پنجاه ریال از جریمه مستهلک میگردد و در مدت چهار ماه تمام میشود و اگر بخواهیم همه این پنج نفر را بیست ماه توقیف کنیم مثل اینست که هر یک را چهارده ماه بی جهت و بدون حکم دادگاه و مجوز قانونی توقیف کنیم و هیچ عقل و منطقی ولو دیوان باخی هم باشد یک چنین اقدام ظالمانه را تجویز نمی تواند بکند و هیچ قانون گذاری ولو هر قدر هم بی سواد و کم عقل باشد یک چنین قانون را وضع و تصویب نخواهد کرد.

بنا بر این در مواردی مانند مورد مفروض که مورد سؤال دادسرای آذربایجان شرقی هم بوده باید بدرستی روزهای توقیف شرکای جرم را احتساب و بهر روز پنجاه ریال از جریمه کسر نمود تا مستهلک گردد و وقتی مستوعب شد دیگر توقیف آنها مجوزی نخواهد داشت. راست است که هر یک از شرکای جرم مستقلاً مسئول پرداخت جریمه هستند و در صورت عدم پرداخت و عدم دسترسی باموالشان باید بقرار هر پنجاه ریال یک روز توقیف بشود ولیکن

این مطلب هم حکم قانون است که جریمه را یکی به تنهایی و یا هر یک قسمتی از آنها بپردازد از همه تکلیف ساقط است.

و بطوریکه در صورت اقدام یکی پرداخت اصل جریمه و با اقدام هر یک پرداخت قسمتی از آن تکلیف از همه ساقط و حکم اجرا شده محسوب میگردد و در صورتی هم که یکی از آنها بنهایی بعوض جریمه توقیف شد تکلیف باز از همه ساقط و حکم اجرا شده محسوب خواهد شد و هم چنین است اگر چنانچه هر یک قسمتی از توقیف بدل جریمه را متحمل گردد که جمعا جریمه استیعاب نماید یا به میزان ه سال توقیف برسد باز حکم اجرا شده محسوب خواهد شد.

چه وقتی اصل جریمه بهر طریقی پرداخت و تأدیه گردد یکی از آنها بدهد و یا چند نفر بخصوص آنها پرداخت نمایند و یا تمام شرکاء بطور سرشکنی هر یک سبغی از آنها بپردازند تکلیف از همه ساقط و حکم اجرا شده محسوب میگردد و اجرای مجدد آن مجوزی ندارد و برخلاف قانون میباشد. همینطور است توقیف بدل از جریمه زیرا حکم اصلی در بدل و عوض جاری است.

نکته ششم

فرض کنید شخص متهم به حمل مقدار ۸۰ گرم تریاک بود: و علاوه بر مجازات مقرر پرداخت دو بیست و چهل هزار ریال جریمه نقدی محکوم شده است و بعد از خاتمه زندان مقرر چون جریمه را نداد و دسترسی هم بمالش نبود دادستان تقاضا کرد در برابر جریمه هم توقیف گردد و نرخ توقیف هم روزی پنجاه ریال است.

شخص مذکور پنج سال تمام در توقیف ماند و بهای پنج سال توقیف در حدود نود و یک هزار و پانصد ریال خواهد بود پس از کسر مبلغ مذکور از مجموع جریمه که دو بیست و چهل هزار ریال است مبلغ یکصد و چهل و یک هزار و پانصد ریال از جریمه مورد حکم دادگاه باقی می ماند می خواهیم معلوم کنیم که با تحمل پنج سال توقیف همه جریمه ساقط و حکم اجرا شده محسوب است و یا اینکه اگر متهم مالی داشت و بدست آمد باید بقیه را تأدیه نماید؟

ظاهر ماده ۱ از مواد اضافه شده بآئین دادرسی کیفری اینست که پنج سال توقیف مستقط تمام جریمه است بهر مقدار و میزان که باشد و پس از اینکه محکوم پنج سال توقیف را تحمل نمود دیگر حکم دادگاه اجرا شده محسوب است و دیگر هیچ مقامی حق مزاحمت و تعرض به محکوم را در مورد حکم نام برده ندارد.

از ظاهر ماده ۱ اضافه شده بقانون فوق این طور استنباط میشود که پنج سال توقیف شدن یک نفر از نظر قانونگذار ایرانی مساوی است با حدا کثر جریمه و غرامت بهر میزان و مبلغی که باشد.

بنا بر این اگر یک نفر پرداخت یک میلیون ریال جریمه محکوم گردد و از تأدیه آن خودداری کند و دسترسی باموالش نباشد بدخواست دادستان بعنوان عوض از جریمه

توقیف گردد و پنج سال از مدت توقیفش بگذرد باید فوراً آزاد گردد و بابت جریمه تکلیفی نخواهد داشت و از نظر قانون پنج سال توقیف یعنی تقریباً هزار و هشتصد و سی روز توقیف از حیث ارزش برابر یک میلیون ریال جریمه است.

و حالا اگر پنج نفر بطور تضامن پرداخت یک میلیون ریال محکوم شدند و بشرح بالا اقدام بتأدیه جریمه نکردند و بمالی هم از آنها دسترسی نبود و هر پنج نفر بعنوان بدل از جریمه توقیف شدند یکسال از توقیف آنها گذشت و جمعاً این مدت مساوی است با پنج سال توقیف و معادل تقریباً ۱۸۳ روز باید همه آنها آزاد گردند زیرا اگر یک نفر از آنها جریمه را میداد و یا اینکه هریک یک پنجم آنها تأدیه می کرد تکلیف از همه ساقط و حکم اجرا شده محسوب میگردد و توقیف بدل جریمه و بجای آنست که باید از حیث آثار و حکم مثل آن باشد.

صور و فروض مسئله متعدد است فرض اول همان بود که بیان شد یعنی هر پنج نفر بمدت یکسال توقیف بشوند و فرض دوم اینست که چهار نفر دسترسی نباشد یک نفر از آنها پنج سال توقیف گردد و در این فرض هم تکلیف از دیگران ساقط و حکم اجرا شده محسوب خواهد شد و دیگر تعرض بدیگران جایز نخواهد بود زیرا اگر همین یک نفر جریمه را تأدیه میکرد دیگران خلاص بودند و حال که بتوقیف که عوض آنست متحمل شده باز هم باید دیگران برائت حاصل کنند.

فرض سوم اینست که سه نفر از پنج نفر دسترسی نباشد دو نفر از آنها هریک دو سال و نیم توقیف بشوند در این فرض هم علی القاعده باید حکم اجرا شده تلقی گردد چه اگر چنانچه اصل جریمه را دو نفر از شرکاء بالمناصفه پرداخت میکردند هر پنج نفر برائت حاصل می نمودند و حال که مجموع مدت توقیفی بدل از جریمه آنها پنج سال است باید همان اثر را داشته باشد.

و همینطور است سایر فروض و صور مثل اینکه چهار نفر هریک یکسال و سه ماه توقیف گردند و یا اینکه مدت توقیفی آنها باختلاف باشد ولی مجموع به پنج سال برسد.

و بالاخره بنظر قانون گذار مطابق نص ماده ۱ از مواد اضافه شده باین دادرسی کیفری یک محکومیت پرداخت جریمه سه صورت اجرا میشود اول محکوم و یا محکومین جریمه را پرداخت نمایند دوم ایامی که بقرار روزی پنجاه ریال جریمه را مستهلک نماید در توقیف بمانند سوم بمدت پنج سال توقیف گردند ولو این مدت پنج سال بقرار روزی پنجاه ریال تمام جریمه را مستهلک نکند با این ترتیب اگر چنانچه بشود هریک از چندین نفر متضامن را در برابر یک جریمه بمدتی که بقرار مذکور جریمه را مستهلک نماید و یا بمدت پنج سال توقیف کرد مثل اینست که یک جریمه را چندین بار وصول کرد و این هم برخلاف قانون است و هم برخلاف مفهوم تضامن زیرا مطابق کلیه قوانین جزا هر حکم فقط یک بار اجرا میشود و تضامن بمعنی وجوب کفائی است وقتی حکم درباره یکی از متضامین اجرا شد از دیگران تکلیف ساقط میگردد.

نکته هفتم

در جواب استعلام دادسرای آذربایجان شرقی که از طرف اداره حقوقی داده شده در نکته مذکور بحث نسبتاً مفصلاً شده است و بقوانین بعضی از کشورها اشاره رفته و در ضمن آن بالاخره قبول عدول به جریمه را بهتر دانسته اند.

بعقیده این جانب چون در قانون جزا و سایر قوانین مادر این باب تصریحی نیست و توقیف بدل از جریمه هم بحکم قانون و از ناحیه خود مجریان احکام جزائی انجام میشود و در این باب حکم و یا قراری از طرف محاکم صادر نمی گردد امتناع از عدول از توقیف بدل از جریمه به جریمه مخالف قانون و ممنوع است زیرا ظاهر مواد مربوطه باین قسمت ایست که اصل مقصود و محکوم به همان جریمه نقدی است و در صورت عدم امکان اجراء حکم مذکور میتوان محکوم را توقیف کرد و البته بعد از توقیف دیگر مقامات اجرایی که اقدام بتوقیف محکوم بعنوان بدل از جریمه کرده اند حق ندارند از اقدام خود عدول کنند ولی اگر چنانچه محکوم مالی بدست آورده و خواست جریمه را بپردازد قبول این تقاضا از مشارالیه نه تنها بلا مانع است بلکه خودداری از آن ممنوع و جرم است چه مجوز توقیف عدم امکان وصول جریمه بوده و حال که این عدم امکان و عجز محکوم از پرداخت آن از بین رفته است و او حاضر شده است که جریمه را بدهد دیگر مجوزی برای توقیف وی وجود ندارد و باید آزاد گردد و الا توقیف او از مصادیق توقیف غیر قانونی خواهد بود.

نکته هشتم

در مورد احکامی که محاکم جزا نسبت بضرر و زیان مدعیان خصوصی در ضمن رسیدگی باسر جزائی صادر میکنند ماده ۱ اضافه شده باین دادرسی کیفری با مواد مربوطه باجزای احکام حقوقی در آئین دادرسی مدنی تعارض دارد زیرا مطابق ماده ۷۲ محکوم له حق دارد درخواست توقیف محکوم علیه را بنماید و هزینه زندان او وهم چنین هزینه زندگی عائله اش بعهدده محکوم له است و این مدت توقیف ارزش و بهائی ندارد و از محکوم به چیزی درازاء آن کسر نمی شود و حال در مورد احکام محاکم جزا که نسبت بضرر و زیان و خسارات ناشیه از جرم بر علیه متهمین صادر میشود محکوم علیه به تقاضای مدعی خصوصی توقیف میشود ولی بقرار هر یک روز پنجاه ریال از محکوم به بابت توقیف احتساب میگردد و در مدت پنج سال بکلی ساقط میگردد و در این جا حق مدعی خصوصی نیز بغرامت و جریمه قیاس شده است و حال اینکه این قیاس درست نیست زیرا جریمه در حقیقت یکنوع مجازات مالی است که بشخص مجرم اعمال میشود و نام برده اشتغال ذمه ندارد و بعد از مرگش بکلی ساقط میگردد و حال اینکه محکوم به بسود مدعی خصوصی حق محکوم له و طلب او بعهدده محکوم علیه است و با مرگ محکوم علیه نیز ساقط نمیکردد و از ترکه او اگر باشد پرداخت خواهد شد.

بعقیده این جانب اهمیت ماده ۱ فوق الذکر ناشی از عدم توجه تنظیم کنندگان آن بوده و گرنه هیئت حاکمه نماینده جامعه است و نسبت بحقوق اجتماعی نمایندگی دارد ولی اشخاص در حقوق فردی خودشان استقلال دارند و حق مدعی خصوصی یعنی خسارات ناشی از

جرم مجازات نیست بلکه منشا آن همان تسبیب و اتلاف میباشد و متعلق بذمه مجرم است. و میشود باین طریق مابین ماده ۱ اضافه شده بآئین دادرسی کیفری و مواد مربوطه باجرای احکام حقوقی موافقت برقرار نمود که درخواست توقیف محکوم علیه از ناحیه مدعی خصوصی بمعنی رضایت او است باینکه در برابر هر روز توقیف محکوم علیه پنجاه ریال از طلب او مستهلک گردد و در برابر پنج سال توقیف تمام محکوم به بهر میزان که باشد ساقط گردد و ذمه محکوم علیه بری بشود.

بنابراین چون مدعی خصوصی بحق و طلب خود تسلط دارد و باطیب خاطر حاضر شده است که بمفاد ماده ۱ فوق الاشعار تسلیم گردد اشکالی باقی نیست و مابین ماده مرقوم و مواد مربوطه باجرای احکام حقوقی نیز تعارض وجود ندارد.

نتیجه

از مباحث بالا این نتیجه بدست میآید که شرکای متضامن هم هر یک بتأدیه مبلغ معین جریمه بنحو تضامن شده‌اند و معنی تضامن بطوریکه بیان شد اینست که همه شرکای متضامن در برابر آن مسئول و موظف میباشند ولی چون جریمه محکوم به یک جریمه است از ناحیه هر یک به تنهایی و با شرکت همه و یا بعضی از شرکاء پرداخت گردد و سایرین براءت حاصل می‌کنند و مسئولیت از آنها ساقط میگردد.

و همانگونه که تأدیه اصل جریمه بشرح بالا و بهر ترتیبی که انجام گردد موجب سقوط تکلیف و مسئولیت از همه خواهد بود همینطور است تحمل توقیف بدل از جریمه از طرف هر یک از آنها به تنهایی و یا همه و یا چند نفر از آنها به تلفیق موجب خلاصی و براءت همه خواهد بود.

و توقیف همه آنها تا استهلاك جریمه مقرر با احتساب هر یک روز توقیف همه آنها پنجاه ریال و یا توقیف همه شان بمدت پنج سال هم مخالف مفهوم تضامن است و هم مخالف نص ماده ۱ اضافه شده بآئین دادرسی کیفری است و هم برخلاف اصول و قواعد کلی حقوقی و هم خلاف عدالت است زیرا:

اولاً تضامن بمعنی اینست که هرگاه جریمه و یا بدل آن از طرف یکی از شرکای متضامن پرداخت و یا تحمل بشود تکلیف از دیگران ساقط میگردد و ثانیاً ماده ۱ فوق الاشعار ارزش یک روز توقیف یکنفر را پنجاه ریال قرار داده و نیز پنج سال توقیف یکنفر را مسقط همه جریمه قرار داده بهر میزان و مبلغی که باشد بنا براین توقیف یک روز دو نفر معادل یکصد ریال و سه نفر یکصد و پنجاه ریال و ده نفر پانصد ریال و هکذا و نیز توقیف یکنفر بمدت پنج سال معادل است با همه جریمه تعیین شده بهر مبلغ و میزانی که باشد و توقیف دو نفر میشود ده سال و سه نفر پانزده سال بنا براین اگر چنانچه پنج نفر که محکوم پرداخت یک جریمه بطور تضامن شده‌اند بعنوان بدل از جریمه بمدت پنج سال توقیف گردند مثل اینست که پنج بار یک جریمه وصول گردد و این هم بحکم عقل و منطق و همه قواعد و اصول حقوقی و مواد قانون جزا ممنوع است.